

دوفصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال چهاردهم/ دوره جدید/ شماره ۵۱/ بهار و تابستان ۱۳۹۸
صص ۸۷-۱۰۴

نقش بیگانگان برای جلوگیری از وحدت جهان اسلام و راهکارهای مصلحان دین برای مقابله با آن

• یونس اشرفی امین

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

y.ashrafi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۴

چکیده

بیگانگان برای زدودن وحدت جهان اسلام و بروز اختلاف میان مسلمانان، از روشهای متعددی بهره‌برداری نموده‌اند. مقاله حاضر با هدف تبیین اقدامات بیگانگان در راستای ایجاد تفرقه میان مسلمانان و تحریک احساسات ملی‌گرایانه و همچنین ارائه راهکارهایی برای مقابله با آن فعالیتها نگاشته شده است. ملی‌گرایی اصالت دادن به قومیت و ملیت است و زمینه تفرقه را در میان مسلمانان فراهم می‌سازد. روش مقاله توصیفی - تحلیلی است و از یافته‌های آن می‌توان به مهم‌ترین اقدامات بیگانگان برای زدودن وحدت جهان اسلام از جمله ترویج ملی‌گرایی در میان مسلمانان، مهجور کردن آموزه‌های دینی از طریق توسعه فعالیت‌های استشراقی، ایجاد و ترویج فرقه‌های ساختگی، و تهاجم فرهنگی بیگانگان علیه جهان اسلام اشاره کرد. برخی از راهکارهای مقابله با این اقدامات تفرقه‌افکنانه عبارتند از: برجسته‌سازی نقش عالمان دینی، ایده تشکیل حکومت اسلامی برای اتحاد، تقویت روحیه وحدت‌گرایی مسلمانان، و تقویت خودشناسی و خودباوری مسلمانان.

کلیدواژه‌ها: وحدت مسلمانان، بیگانگان، ملی‌گرایی، تفرقه، مصلحان دینی.





مقدمه

امروزه جهان اسلام با جمعیت بیش از یک و نیم میلیارد نفر و با وجود داشتن ۳۲ میلیون کیلومتر مربع مساحت زمینی و ذخایر عظیم زیرزمینی، معادن و گنجهای فراوان دیگر، در اختلاف و تفرقه به سر می‌برد.^۱ قرآن کریم تفرقه و اختلاف را مایه سستی، از بین رفتن ابهت مسلمانان^۲ و بی‌خردی^۳ می‌داند. اختلاف در بین قشرهای گوناگون مردم، با هر مذهب و نژاد، و تفکر مذهبی، سیاسی یا اجتماعی، باعث بروز دشمنی و درگیری می‌گردد و در چنین جامعه‌ای، امت اسلامی وحدت و یکپارچگی و استقلال ندارد، از لحاظ علمی و فرهنگی پیشرو نبوده و دیگران بر آنان سلطه خواهند یافت.

نهضت اصلاح دینی و اجتماعی مسئله جدیدی نیست، انبیا خود مصلح بوده و به اصلاح سفارش کرده‌اند.^۴ خداوند ویژگی مصلحان را تمسک به کتاب آسمانی می‌داند و وعده می‌دهد که پاداش اصلاح‌گران را خواهد داد. مقصود از مصلحان دینی در مقاله حاضر، عالمان دینی هستند که با شیوه‌های علمی بر لزوم مراجعه مجدد و هوشمندانه مسلمانان به آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن و اسلام تأکید کرده‌اند؛ عالمانی که علاوه بر اصلاح‌طلبی، خود عامل به آموزه‌های اسلام بوده و تحولاتی علمی و عملی را در جوامع ایجاد نموده‌اند.

منظور از بیگانگان در این مقاله، استعمارگران (Colonialism) و دولتهای استکباری (Arrogance) هستند که چون آموزه‌های وحدت‌بخش قرآن را مانع بزرگی بر سر راه خویش نسبت به تسلط بر کشورهای اسلامی می‌بینند، برای مهجور ساختن قرآن و کنار گذاردن آن از زندگی

سیاسی و اجتماعی مسلمانان به عنوان یک راهبرد اساسی تلاش می‌کنند، تا از این طریق بتواند سلطه‌گری خود را در کشورهای اسلامی تداوم بخشند. مقاله حاضر در صدد پاسخ به این سؤالات است: بیگانگان از چه شیوه‌های تأثیرگذاری برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان استفاده می‌کنند؟ و برای مقابله با نقشه‌ها و تلاشهای تفرقه‌افکنانه بیگانگان، چه راهکارهایی باید از سوی مسلمانان مد نظر قرار گیرد؟

ایجاد تفرقه بین مسلمانان، از خواسته‌های دیرینه مخالفان اسلام و دولتهای استکباری بوده است و جلوه‌های گوناگونی دارد از جمله: اختلاف شیعه و سنی، اختلاف قومیتها و ملیتهای گوناگون، اختلاف مردم و حاکمان اسلامی، اختلاف مسئولان با یکدیگر، اختلاف گروههای گوناگون نظامی، درگیری حزبی بین مردم، شکاف بین مردم و عالمان دینی، تحریک احساسات قومی و ملی‌گرایانه مردم، اختلاف بین افکار گوناگون در یک جامعه، ایجاد عداوت میان کشورهای اسلامی هم‌جوار و ... البته باید اذعان کرد بعضی از عوامل تفرقه جهان اسلام و ترویج روحیه ملی‌گرایانه، به خود مسلمانان بازمی‌گردد، لیکن در مقاله حاضر سعی شده است ضمن برشمردن بخشی از تلاشها و فعالیتهای بیگانگان در جهت زدودن وحدت میان مسلمانان و تحریک عواطف ملی‌گرایانه آنان و تأثیرگذاری بر بخشهایی از مردم، به ارائه راهکارهایی جهت مقابله با این نقشه‌ها پرداخته شود. در این راستا استفاده از دیدگاههای اندیشمندان شیعه و سنی به ویژه مصلحان دینی معاصر مورد تأکید بیشتری بوده است.

اقدامات بیگانگان برای زدودن وحدت جهان اسلام

۱) ترویج ملی‌گرایی در میان مسلمانان

ملی‌گرایی (Nationalism) به اصالت دادن به تعلقات قومی و ملی تعریف شده است. در واقع ملی‌گرایی جریانی فکری و عقیدتی و مرامی است که

۱. در سال ۱۳۸۴ش جمعیت مسلمانان حدود ۱/۳۶۱/۴۴۱/۸۸۳ نفر بوده است (ر.ک: «یکپارچه‌سازی اقتصاد گزینه راهبردی جهان اسلام»، ج ۱، صص ۲۴۲ و ۲۴۳).
۲. انفال، ۴۶.
۳. حشر، ۱۴.
۴. اعراف، ۱۴۲.



گرایش به تعالی بخشیدن به ملت و گذشته‌ها، کیفیتها، حالتها، هدفها و خواسته‌هایش دارد.^۵ ملی‌گرایی و به تعبیر عربی «الوطنیة»، به معنای میهن‌دوستی و حب‌الوطن، یا دوستی خویشان و خانواده، نه تنها در اسلام مذموم نیست، بلکه مورد سفارش نیز واقع شده است.^۶ اما ملی‌گرایی، گاه به معنای «القومیة»؛ یعنی گرایش شدید به نژادپرستی، به کار می‌رود. در این باره، برخی از دانشمندان علوم اجتماعی از جمله محمود سریع القلم معتقدند که وطن‌دوستی با وطن‌پرستی متفاوت است. در واقع ملی‌گرایی نیرویی برای متلاشی کردن شخصیت انسان و جامعه در تمام سطوح آن است.^۷ وطن‌پرستی بیراهه است، ولی وطن‌دوستی محرک و زمینه‌ساز و مشوق توسعه یافتگی است. ترویج قومیت‌گرایی زمینه معارضه با اسلام را فراهم می‌کند. استعمار انگلیس در جنگ جهانی اول، سران عرب و عمال خود را متحد کرد و با محوریت ایدئولوژی ملی‌گرایی آنان را بسیج نمود و بدین وسیله، حکومت عثمانی را متلاشی کرد. پس از این واقعه تلخ، جهان اسلام را به کشورهای کوچک تقسیم کرد و در ترکیه پان ترکیسم، در ایران پان ایرانیسم و در مصر و سوریه پان عربیسم را رواج داد.^۸ سیاست انگلیس در کشورهای اسلامی، تضعیف باورهای دینی و تیره ساختن روابط مسلمانان است، تا این جوامع اسلامی از هم جدا گردند.^۹

۵. فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۲۳۸.

۶. رک: «ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) از دیدگاه اسلام».

۷. مسائل نهضت‌های اسلامی، ص ۱۱۸.

۸. در کتاب چگونه اسلام را نابود کنیم که نقشه‌های غربیها در آن منتشر شده، آمده است: «بسیار ضروری است کاری کنیم که از هر سو عربده ملیت‌خواهی، اقلیم‌پرستی، تبعیض نژادی ترک، فارس، عرب و عجم و از این قبیل تعصبات تفرقه‌انداز راه بیافتد. لازم است که مسلمانان را وادار کنیم که اهمیت زیادی به تمدنهای پیش از اسلامشان بدهند و قهرمانها و شخصیت‌های قبل از اسلام را زنده کنیم» (اعترافات، ج ۲، ص ۲۵۱).

۹. انگلیسیها این تفکر را القا می‌کنند که «مصریها بازماندگان فراعنه، لبنانیها نوادگان فینیقیها، عراقیها از بستگان آشوریها، و حجازیها از بازماندگان عرب بوده و شایسته ایجاد خلافت و حکومت اسلامی هستند!» (رک: اسلام و بلاهای نوین، صص ۹۶ و ۹۷).

در قرن نوزدهم و بیستم ابتدا در اروپا و سپس در آسیا و آفریقا، جنبشهایی سیاسی پیدا شد که با آوردن پیشوند «پان» بر سر نام یک کشور یا نژاد یا دین، خود را نام‌گذاری کردند و هدفشان گرد آوردن مردم هم‌نژاد یا هم‌زبان یا هم‌دین، به نام یک ملت یا امت یا نژاد، در یک واحد قدرت ملی یا دولت بود. پان در زبان یونانی، پیشوندی به معنای «همه» است.^{۱۰}

رهبر برجسته تفکر پان عربیسم، جمال عبدالناصر در مصر بود. زکی آرسوزی (۱۸۹۹-۱۹۶۸م) هم از نویسندگان و تلاشگران سیاسی و از بنیان‌گذاران حزب بعث شناخته می‌شد. او یکی از نظریه‌پردازان تأثیرگذار ناسیونالیسم عرب بود. برخی از روشنفکران

۱۰. رک: «ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) از دیدگاه اسلام».

۱۱. رک: همان.

۱۲. رک: دانشنامه سیاسی، ص ۷۸.



در جهان اسلام نیز به طرف‌داری از ملیت‌گرایی پرداخته‌اند. ضیاء گوک آلپ (Ziya Gokalp) (۱۸۷۴-۱۹۲۴م)^{۱۳} روشنفکر ترک، برای تمدن جدید ترکیه، نظامی لائیک را پیشنهاد می‌کرد.^{۱۴} وی در کتاب اصول پان ترکیسم، در فصل ملی‌گرایی دینی، ابعاد طرح ملی کردن دین اسلام را چنین بیان می‌کند: پان ترکیسم دینی؛ یعنی کتب دینی، خطبه‌ها و سخنرانیها باید به زبان ترکی باشد؛ چون بهره‌مندی از عبادت وابسته به فهم ادعیه و اذکار آن است.^{۱۵} وی اساساً منکر تمدن اسلامی شده است و در نظر او، ممکن است مردمی با دینهای مختلف، دارای تمدن واحدی باشند و هیچ تمدنی با دین نسبتی ندارد. از این رو، می‌گوید: «ما چیزی به عنوان «تمدن مسیحی» و «تمدن اسلامی» نداریم، نادرست است که تمدن شرقی را تمدن اسلامی بنامیم».^{۱۶}

۲) مهجور کردن آموزه‌های دینی از طریق توسعه فعالیت‌های استشرافی بیگانگان (Orientalism) یکی دیگر از عوامل زدودن آموزه‌های وحدت‌بخش دین در بعد سیاسی و اجتماعی، فعالیت‌های علمی، سیاسی و اجتماعی خاورشناسان است. مستشرقان غالباً طبق ذهنیات و معرفت‌های غربی با اسلام و قرآن مواجه می‌شوند و در پی شناخت حقیقت نیستند. وابستگی استشرق به استعمار، باعث شده که اغلب مستشرقان به ابزاری برای پیشبرد اهداف ضد اسلامی استعمارگران تبدیل شوند. ادوارد سعید، یکی از مستشرقان منصف، در این باره می‌گوید: «حقیقت این

است که شرق‌شناسی با موفقیت در دل امپریالیسم جدید جا افتاده است».^{۱۷} در مجموع، برخی از نقاط ضعف مستشرقان را می‌توان چنین برشمرد:

۱- شناخت مستشرقان نسبت به شرق و اسلام در برخی از موارد سطحی بوده و مسائل شرق و اسلام به صورت ریشه‌ای شکافته نشده است.

۲- عده‌ای از مستشرقان در مواجهه با اسلام و شرق، نوعی غرور و تکبر داشته و خود را برتر دانسته و در بسیاری از موارد، جانب بی‌طرفی را نگرفته‌اند.

۳- از آنجا که مستشرقان همراه استعمار بوده‌اند، از این رو، افکار استعماری در سر می‌پروراندند و با تحریک اقلیتهای مذهبی و ملی، با نوعی مظلوم‌نمایی کاذب، نقش آنان را مهم جلوه داده و آنان را در جهت منافع خود سوق می‌دادند.

۴- از درک کلیت اسلام و شرق عاجز بوده و نقاط کلیدی را درک نکرده‌اند.

۵- با ایجاد تضاد بین ملیت و مذهب، به جنبه‌های ناسیونالیستی توجه زیادی کرده و مسلمانان را در برابر اسلام قرار داده‌اند.

۶- مستشرقان بیشتر به منابع اهل سنت توجه کرده و از منابع اصیل شیعه غافل مانده‌اند. مستشرقان مطالعه چندانی در مورد شیعه نداشتند و بعدها جایگاه شیعه برای آنان آشکار گشت.^{۱۸}

۷- اغلب مستشرقان تسلط کافی بر زبان عربی و معارف اسلامی نداشته‌اند.

۸- نگاه مستشرقان به اسلام همواره با تعصبات دینی خاص و ذهنیت خودساخته و متأثر از محیط ضد اسلامی غرب همراه بوده است.

دولت‌های استعماری در طول تاریخ از مستشرقان استفاده ابزاری کرده‌اند، تا به اهداف خود برسند. از این رو، برخی استشرق را چنین تعریف کرده‌اند:

۱۷. شرق‌شناسی، ص ۵۷۶.

۱۸. رک: مدخلی بر تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام و ایران، صص ۱۷۱ و ۱۷۲.

۱۳. وی روشنفکری غرب‌گرا و از نظریه‌پردازان معروف نظام جمهوری بر محور ملی‌گرایی در ترکیه بود.

۱۴. رک: ریشه‌های غرب‌گرایی و اسلام‌گرایی در ترکیه، ص ۱۵۰.

۱۵. او بر آن است که برای ایجاد نشاط و وجد لازم در عبادت - غیر از قرائت‌های واجب - باید قرائت قرآن و هر نوع دعا و مناجات که پس از آیین‌های عبادی صورت می‌گیرد و همچنین خطبه‌های نماز جمعه به ترکی باشد (رک: خاطرات مستر همفر، ص ۱۱۱). نکته قابل ذکر اینکه ممنوع کردن اقامه نماز و اذان به زبان عربی در کشورهای غیر عرب، از اقدامات استعمارگران است.

۱۶. رک: دنیای اسلام و تهاجم فرهنگی غرب، ص ۳۶.



توان دفاعی آنها را سرکوب کنند و نگذارند که آنان با استفاده از حقایق و معارف اصیل اسلام، قدرت اتحاد خود را بشناسند و به مقابله با استعمارگران بپردازند. برای دستیابی به این هدف، سه فرقه ساختگی در سه منطقه اسلامی تأسیس شد: وهابیت در حجاز، بهائیت در ایران و قادیانیت در شبه قاره هند.^{۲۰} اگرچه انقلاب اسلامی در ایران توانست ریشه بهائیت را از ایران بکند و همچنین قادیانیت نتوانست به اهداف خود در شبه قاره هند دست یابد، اما وهابیت، با کمک انگلیس بر حجاز سلطه پیدا کرد و هنوز هم زمام امور این کشور را در دست دارد. فرقه وهابیت بر پایه عقاید ابن تیمیه (د ۷۲۷ق) تشکیل شده است. وی در کتابهای خود، به ویژه در کتاب مشهورش *منهاج السنه* - که پایه و اساس اعتقادات وهابیان است - به تخطئه آراء و اصول اعتقادی شیعه پرداخته است^{۲۱} و نظرات تندی علیه بعضی از اعتقادات شیعه همچون دعا، زیارت، توسل و شفاعت دارد.

امام خمینی(ره) فرقه‌سازی و ترویج این فرقه‌ها را به عنوان یکی از اقدامات بیگانگان برمی‌شمارد که از این طریق باعث ضربه زدن به قرآن و مهجور شدن و کوییدن آموزه‌های آن می‌گردد.^{۲۲} شهید مطهری نیز با رد فرقه‌های ساختگی، وهابیت را باعث افول نهضت‌های اصلاحی در جهان اسلام می‌دانست و بر آن بود که در اندیشه‌های این فرقه که مدعی اصلاح بودند، بازگشت به اسلام نخستین، به بازگشت به حنبلی‌گری تفسیر شده است.^{۲۳} عبده معتقد بود که وهابیت در مسائل اسلامی غلو می‌کند و در مقابل وحدت مسلمانان به وجود آمده است. در دیدگاه عبده، وهابیان گرفتار الفاظ هستند و در عقاید خود

استشراق گماشتن علم در خدمت سیاست استعماری است.^{۱۹} به طور کلی مستشرقان در راستای نیل به اهداف استعماری خود، چهار مرحله را طی می‌کنند:

۱- ابتدا مستشرقان با مطالعه و کاوش در کشورهای مسلمان، اطلاعات مورد نیاز استعمارگران را کسب می‌کنند و با به دست آوردن این شناخت، زمینه برای اقدامات بعدی فراهم می‌گردد.

۲- پس از کسب اطلاعات لازم در مورد فرهنگ، آداب و رسوم، آموزه‌های دینی و ... جوامع اسلامی، اندیشمندان غرب به بررسی نقاط قوت و ضعف کشورهای هدف پرداخته و پس از تحقیق و مشورت فراوان، به جمع‌بندی برنامه‌ها و نقشه‌های مورد نظر می‌رسند.

۳- مستشرقان با پشتیبانی همه‌جانبه استعمار، به جوامع اسلامی وارد شده و با نفوذ در مراکز حساس علمی و سیاسی، اندیشه‌های استعماری را در راستای دور کردن مسلمانان از آموزه‌های سیاسی و اجتماعی و وحدت بخش قرآن، رواج داده و نقشه‌های از پیش تعیین شده را در عمل اجرا می‌کنند. مستشرقان ضمن ارتباط مستمر با سران استعمار، آنان را از میزان پیشبرد و نحوه اجرای برنامه‌ها آگاه می‌سازند.

۴- پس از پیاده کردن نقشه‌های استعمارگران از سوی مستشرقان و ایجاد غفلت در جوامع اسلامی و آماده شدن جوامع اسلامی برای تسلط بیگانگان، حضور قرآن در جامعه از بین می‌رود و دین مورد نظر دولتهای استعماری در بین مسلمانان رواج می‌یابد و پیامدهای این معضل، دامن جوامع اسلامی را خواهد گرفت.

۳) ایجاد و ترویج فرقه‌های ساختگی

در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی، زمانی که اروپاییان استعمارگر عملاً بر تمام کشورهای اسلام سلطه یافته بودند، برای ادامه و استمرار سلطه خود، فرقه‌هایی را در جهان اسلام ایجاد کردند، تا بدین وسیله بتوانند یکپارچگی و همبستگی مسلمانان جهان را از بین برده،

۱۹. رک: *مطالعات اسلامی در غرب*، ص ۱۸۸.

۲۰. «فعالیت تبلیغاتی دشمنان اسلام در جهان».

۲۱. وی «*منهاج السنه*» را در رد کتاب «*منهاج الکرامة*» علامه حلی، از علمای بزرگ شیعه و هم‌عصر خود نوشته است.

۲۲. رک: *صحیفه امام*، ج ۳، ص ۲۰۴.

۲۳. از جمله این اصلاح‌طلبان، محمد رشیدرضا است که تحت تأثیر افکار ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب بوده است (رک: بررسی

اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، صص ۴۹ و ۵۰).



افراط می‌کنند.^{۲۴} بنابراین وهابیان با تشبث به برخی از ظواهر و جمود ذهنی، باعث بروز تفرقه و اختلاف در میان مسلمانان شده‌اند.

یکی از فرقه‌های ساخته استعمار، صهیونیسم (Zionism)^{۲۵} است. یهودیان از قدیم به فکر تشکیل حزب خاصی برای خود بوده‌اند. از این رو یهودیان اروپا برای تأسیس صهیونیسم، کنگره‌ای را در شهر بال سوئیس تشکیل دادند و رسماً موجودیت خود را اعلام کردند.^{۲۶} امروزه صهیونیسم به عنوان یکی از دشمنان اصلی قرآن و اسلام، به مبارزه با آن می‌پردازد. آنان تلاشهای زیادی در جهت نابودی تمدن و فرهنگ اسلامی، ترویج فساد در بین مسلمانان، تحریف قرآن و آموزه‌های اسلامی، ترویج ملی‌گرایی در جهان اسلام و ... انجام داده‌اند.^{۲۷}

امام خمینی (ره) همواره در طول حیات خویش نسبت به خطر صهیونیسم هشدار داده، از اسرائیل با عنوان «جرثومه فساد»^{۲۸} و «گرگهای خون‌آشام»^{۲۹} نام می‌برد و آن را ساخته استعمار می‌دانست. براساس دیدگاه امام خمینی (ره)، صهیونیستها دشمن اصلی اسلام و قرآن هستند و در طول دهها سال از هیچ تلاشی برای قطع ریشه اسلام و قرآن دریغ ننموده‌اند. ایشان به رسمیت شناختن اسرائیل را مخالفت با قرآن دانسته است.^{۳۰} همچنین به توطئه صهیونیسم برای تصرف در قرآن اشاره می‌کند که اخیراً قرآنهايي را تغییر می‌دهند^{۳۱} و در برخی از کشورها منتشر

۲۴. ر.ک: شیخ محمد عبده رایت اصلاح، صص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲۵. صهیونیسم از صهیون به معنای کوه خشک و پرافتاب گرفته شده و نام تپه‌ای در جنوب غربی شهر قدس است.

۲۶. جهت آگاهی از پیدایش صهیونیسم ر.ک: شناخت صهیونیسم بین‌الملل، صص ۱۴۴-۱۴۷.

۲۷. جهت آگاهی از نقشه‌های صهیونیسم برای منحرف کردن اسلام ر.ک: اسلام و جهان معاصر، صص ۲۸۴-۲۹۶.

۲۸. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

۲۹. ر.ک: همان، ج ۲۰، صص ۳۱۹ و ۳۲۰.

۳۰. ر.ک: همان، ج ۳، ص ۳۴۶.

۳۱. به عنوان نمونه آیات جهاد و آیاتی را که به توطئه‌های یهود اشاره دارند، حذف کرده‌اند.

می‌کنند.^{۳۲}

سید قطب نیز ضمن بیان خطر یهود و صهیونیسم، اظهار می‌داشت که یهود در حال آماده سازی خود برای سلطه جهانی است، از این رو، همه مردم جهان، به ویژه مسلمانان باید مراقب باشند.^{۳۳} وی جنبش یهود و صهیونیسم را عامل انحطاط و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی می‌دانست.^{۳۴} بنابراین فرقه‌های ساختگی به مبارزه با اسلام و قرآن می‌پردازند و موجب شکاف میان مسلمانان می‌گردند.

۴) تضعیف وحدت جامعه با ایجاد تفرقه

همفر (Humphrey)^{۳۵} در کتاب خاطراتش نقل کرده هنگامی که اختلاف شیعه و سنی را در وزارت مستعمرات برای برخی از رؤسای خود توضیح می‌داده، اذعان نموده که اگر مسلمانان فهم و درک صحیحی برای زندگی داشته باشند، باید امروزه این نزاع را کنار گذاشته و اتحاد پیدا کنند. وی بیان کرده که رئیسش نهبی بر وی زده و به او دستور داده است که به جای فکر در مورد وحدت، باید اختلافات مسلمانان را زیاد کرد و نزاع شیعه و سنی و درگیریهای قومی، زبانی، ملی و مذهبی را افزایش داد؛ زیرا استعمار انگلیس برای حفظ موقعیت خود و استثمار مسلمانان، باید وحدت مسلمانان را از بین ببرد، تا بر آنان تسلط یابد.^{۳۶}

امام خمینی (ره) عدم اتحاد بین مسلمانان را یکی از بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین مشکلات دانسته است^{۳۷} و ضمن هشدار به این معضل سیاسی و اجتماعی، مسلمانان دنیا را از تفرقه برحذر می‌دارد.^{۳۸} گاهی

۳۲. ر.ک: قرآن کتاب هدایت از دیدگاه امام خمینی (ره)، ص ۱۹۴.

۳۳. ر.ک: شهید سید قطب، ص ۷۱.

۳۴. ریشه‌ها و تاریخچه اصولگرایی در مصر، ص ۸۸.

۳۵. یکی از جاسوسان انگلیس در برخی از کشورهای اسلامی در قرن ۱۸ میلادی.

۳۶. ر.ک: خاطرات مستر همفر، صص ۳۸-۴۰.

۳۷. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۶۹.

۳۸. ر.ک: همان، ج ۱، صص ۳۳۴ و ۴۱۳؛ ج ۳، صص ۳۱۹، ۴۱۲ و ۴۸۴؛

ج ۵، ص ۵۱۶؛ ج ۶، صص ۸۳ و ۸۴.



بیگانگان به تحریک مذاهب و قومیت‌های گوناگون می‌پردازند و به تبع آن تجزیه و فروپاشی یک کشور را دنبال می‌کنند و با تهدید خواندن کشورهای اسلامی نسبت به هم، به فروش اسلحه به دولتهای اسلامی مشغول می‌شوند. امام خمینی (ره) ضمن اشاره به این مسئله، آن را بهانه‌ای برای غارت ذخایر کشورهای اسلامی می‌داند.^{۳۹} در سطح بین‌المللی نیز، تفرقه در میان دولتهای اسلامی، جلوگیری از امکان اتخاذ موضع متحد در سازمانها و جوامع بین‌المللی را در پی دارد.

در دیدگاه سید جمال، سهم هر ملتی از بقا و نیرومندی، به اندازه وحدت و یگانگی آن ملت بستگی دارد.^{۴۰} و اگر وحدت نداشته باشند، از بین خواهند رفت. او کشته‌ترین درد جهان اسلام را اختلاف و تفرقه می‌داند و اذعان می‌کند که مسلمانان «اختلاف دارند بر اتحاد و اتحاد دارند بر اختلاف».^{۴۱} همچنین وی بر آن بود که اعتقاد صرف بدون عمل در میان مسلمانان وجود دارد و روابط مردم با یکدیگر و همکاری و معاضدت میان اقشار گوناگون و زمامداران آنان قطع شده است، به طوری که بعضی از مسلمانان یک منطقه، مسلمانان منطقه دیگر را فراموش کرده‌اند.^{۴۲} سید جمال تفرقه شیعه و سنی را ساخته حکام می‌داند که برای حفظ منافع خود، مسلمانان را در جهل و فرقه‌گرایی نگه می‌دارند.^{۴۳} از این رو، در نظر سید جمال، مهجوریت آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن، از بین رفتن وحدت، فرقه‌گرایی، نزاع مذهبی و تفرقه بین مسلمانان و تکه تکه شدن سرزمینهای اسلامی

را به دنبال دارد.^{۴۴} اقبال نیز یکی از عوامل بدبختی مسلمانان را پراکندگی و تفرقه آنان می‌داند^{۴۵} و پراکندگی و تفرقه را نکوهش می‌کند. وی می‌گفت: رشته وحدت چو قوم از دست داد/ صد گره بر روی کار ما افتاد.^{۴۶} از دیدگاه سید قطب، عامل اصلی تفرقه‌ها؛ اختلافات داخلی، جنگ و استعمار است. وی معتقد بود که یهودیان و مسیحیان با ایجاد جنگ داخلی میان مسلمانان، دست به دست هم داده و جبهه واحدی تشکیل می‌دهند و با اصل اسلام مقابله می‌کنند.^{۴۷} همچنین از نظر کوکبی، ایجاد تفرقه میان مسلمانان و اختلاف بین علما از پیامدهای عدم توجه به آموزه‌های وحدت بخش قرآن به شمار می‌رود.^{۴۸}

۵) **تهاجم فرهنگی بیگانگان علیه جهان اسلام** یکی از عوامل بروز اختلاف میان مسلمانان، تهاجم فرهنگی از سوی بیگانگان است. امروزه با توجه به رشد فکری و آگاهی عمومی ملت‌های جهان، نفوذ و سلطه و به دست آوردن مستعمرات از راه لشکرکشی‌های نظامی، به آسانی امکان‌پذیر نیست. از این رو از نظر بیگانگان، بهترین راه نفوذ در سایر کشورها، نفوذ در فرهنگ آنان و استحاله درونی آن است. بیگانگان با مترقی جلوه دادن ارزشهای مورد نظر خود، فرهنگ ملتها را تغییر می‌دهند و فرهنگ و آموزه‌های قرآنی در جوامع اسلامی مهجور واقع می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای تهاجم فرهنگی را تهاجم یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی به بنیانهای فرهنگی یک ملت، برای اجرای مقاصد خاص خود و اسارت آن ملت برمی‌شمارد که در این هجوم، باورهای تازه‌ای به زور و به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای ملی

۳۹. رک: همان، ج ۵، ص ۴۷.

۴۰. رک: العروة الوثقی، ص ۱۹۰؛ استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۳۲۵.

۴۱. «... اختلافهم علی الإتحاد و اتحادهم علی الإختلاف» (رک: ناهنجاریهای جهان اسلام از دید سید جمال‌الدین اسدآبادی، صص ۶۶ و ۶۷).

۴۲. رک: استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۱، صص ۳۰۴ و ۳۰۵.

۴۳. رک: زعماء الإصلاح فی العصر الحدیث، ص ۱۱۳؛ استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۱، صص ۳۰۴ و ۳۰۵.

۴۴. بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۳۰؛

استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۱، صص ۳۰۸ و ۳۰۹.

۴۵. «اقبال ستیزه‌گر با غرب»، ص ۱۳۱.

۴۶. دیوان شعر، ص ۵۳.

۴۷. رک: فی ظلال القرآن، ج ۱، صص ۱۶۸ و ۱۶۹.

۴۸. رک: زعماء الإصلاح فی العصر الحدیث، ص ۲۷۵.



آن ملت، وارد جامعه می‌شود.^{۴۹}

از نتایج تهاجم فرهنگی، از بین رفتن اخلاق و گرایش به غربی شدن است. منظور از غربی شدن، علاقه‌مندی شدید مسلمانان به غرب و اقتباس فرهنگ غربی نه از روی شناخت، بلکه از روی تقلید کورکورانه است. در غرب، چون نظام خانواده که کانون اصلی تربیت اجتماع است، از هم گسسته شده است، به طور طبیعی، اخلاق (یعنی گرایش به پاکدامنی، خلق و خوی خوش و رعایت امانت) نیز از بین رفته و امروزه بی‌مهری، بی‌عفتی و ناپاکی دامن غرب را به سختی گرفته است و تزلزل شدیدی در اخلاق خانواده وجود دارد. با رواج فرهنگ غربی، پیامدهای دیگری مانند مادی‌گرایی، بی‌دینی، رفاه‌زدگی، فساد و ... در جوامع اسلامی پیش خواهد آمد. مسلمانان نیز با گرایش به فرهنگ بیگانه، باعث انزوای فرهنگ قرآنی در جامعه می‌گردند. قرآن کریم ضمن نهی مؤمنان از تقلید و پیروی از بیگانگان و کفار، آن را مایه خسران می‌داند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرَدُّوْكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ»^{۵۰} «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از کسانی که کفر ورزیده‌اند اطاعت کنید، شما را از عقیده‌تان باز می‌گردانند و زیانکار خواهید گشت».

در قرون اخیر، برخی از حکام کشورهای اسلامی اقدام به محو فرهنگ قرآنی نموده و فرهنگ غربی را حاکم کرده‌اند. کشورهای غیراسلامی غربی نیز همواره در صدد بودند، تا با فرهنگ قرآنی مبارزه کنند، ولی در گذشته، مسلمانان با تمسک به آموزه‌های قرآن کریم، همواره مخالف توسعه‌طلبی و دخالت بیگانگان در سرزمینهای خود می‌شدند، اما در دوره معاصر، با غفلت مسلمانان از آموزه‌های قرآن و بی‌کفایتی حکام و زمامداران اسلامی، فرهنگ بیگانه در کشورهای اسلامی رسوخ کرده و مسلمانان نیز با عدم توجه به قرآن کریم و ابعاد سیاسی و اجتماعی آن، به فرهنگ

۴۹. رک: تهاجم فرهنگی، ص ۳.

۵۰. آل عمران، ۱۴۹.

بیگانه وابستگی نشان داده‌اند. نظریه‌پردازان غربی به صراحت اظهار می‌کنند که هرگاه قرآن از کشورهای اسلامی جدا شود، آن وقت مسلمانان راه تمدن غرب را خواهند پیمود و مطیع و فرمان‌بردار ما خواهند شد.^{۵۱}

راهکارهای مقابله با اقدامات تفرقه‌افکنانه بیگانگان

۱) ملی‌گرایی و میهن‌دوستی از نگاه عالمان دینی عالمان آگاه مسلمان همواره ضمن دعوت تمام مسلمانان به وحدت، آنان را از روحيات ملی‌گرایی برحذر داشته‌اند. علامه طباطبایی معتقد بود که دلبستگی به وطن و ملیت، هرگز نباید باعث تحقیر، استعمار و استثمار سایر ملت‌ها گردد.^{۵۲} سید جمال‌الدین اسدآبادی با انتقاد از ملیت‌گرایی و ترجیح تعصب قومی بر تعصب دینی، آن را عامل عقب‌ماندگی انسانها می‌دانست.^{۵۳} سید قطب ملی‌گرایی را از ویژگیهای جامعه جاهلی دانسته و آن را با روح اسلام در تضاد قلمداد می‌کرد و با آن مخالفت می‌نمود.^{۵۴} او ضمن مخالفت با ناسیونالیسم عربی، آن را نقشه استعمار برمی‌شمرد.^{۵۵} سید قطب ملی‌گرایی را آفت بزرگ جوامع اسلامی دانسته و بر آن بود تا زمانی که مسلمانان به وحدت نرسند، قدرتهای بیگانه بر ذخایر مادی و معنوی مسلمانان دستبرد خواهند زد. او به این دلیل با ملی‌گرایی مخالف بود که این تفکر در مقابل وحدت مسلمانان قرار گرفته بود.^{۵۶} اقبال لاهوری

۵۱. رک: علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، ص ۴۳۳. امروزه حتی در مراسمها و مسابقات گوناگون در کشورهای اسلامی با تقلید از غرب، فساد و بی‌بندوباری ترویج می‌شود. در کشورهای غربی، رسانه‌ها اقدام به پخش انواع موسیقیها و برنامه‌های ضددینی می‌کنند و کشورهای اسلامی نیز به تقلید از رسانه‌های غربی، مراسمهای گوناگونی را با محتوایی سبک اجرا می‌کنند.

۵۲. رک: المیزان، ج ۴، صص ۱۳۳ و ۱۳۴.

۵۳. رک: العروة الوثقی، صص ۷۱ و ۷۲؛ استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۱، صص ۳۰۳ و ۳۰۴.

۵۴. رک: ما چه می‌گوییم، ص ۱۱۳.

۵۵. رک: همان، ص ۹۱.

۵۶. شهید سید قطب، ص ۸۲.

۲) ایده تشکیل حکومت (Government) اسلامی برای اتحاد

در قرآن آیات فراوانی بر جهانی بودن تعالیم آن دلالت دارد^{۶۸} و حکومت از نظر قرآن امانت است.^{۶۹} ائمه (ع) نیز یکی از اهداف مهم خود را تشکیل حکومت قرآنی و حکومت عدالت دانسته‌اند. امام حسین (ع) با بیان عبارات «إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، إِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي»، ضمن اشاره به قیام خود، هدف خویش را احیای دین خدا و اصلاح امت و اجرای احکام تعطیل شده الهی می‌دانست.

امام خمینی (ره) مهم‌ترین وظیفه انبیا را برقراری یک نظام عادلانه اجتماعی دانسته و با اشاره به آیاتی از قرآن کریم،^{۷۰} یکی از اهداف بعثت پیامبران را برپایی حکومت حق در جهان برمی‌شمرد و تأکید می‌کرد که ائمه (ع) نیز همواره در اندیشه برقراری حکومت عدل بودند. ایشان یکی از اهداف قیام امام حسین (ع) را برقراری حکومت می‌دانست.^{۷۱} همچنین علامه طباطبایی برقراری حکومت اسلامی در زمان غیبت معصوم را ضروری می‌دانست.^{۷۲}

از دیدگاه اقبال، مسلمانان باید به صورت یک «ملت» واقعی و نوین درآیند، و اصلی‌ترین و ریشه‌ای‌ترین عامل تجدید حیات ملی برای مسلمانان، آئین و جهان‌بینی و دیانت اسلامی است. وی می‌گفت: «هستی مسلم ز آئین است و بس».^{۷۳} اقبال مرکز این ملت اسلامی را نیز بیت‌الحرام دانسته و بر آن بود که این امت اسلامی باید کعبه را محور خود قرار دهند.^{۷۴} اقبال سیستم حکومتی کمونیسم، سرمایه‌داری و ... را

گرایش مسلمانان به ملیت‌گرایی و نژاد دوستی را برگرفته از تصورات سیاسی و اجتماعی اروپا و سیاست استعماری و استثمارگری غرب می‌دانست و ضمن مخالفت شدید با ملی‌گرایی، آن را هم نافی برادری ذاتی انسانها و هم نفی‌کننده هویت تاریخی و اسلامی مسلمانان برمی‌شمرد.^{۵۷} از نظر وی طبق قرآن تقسیم نوع بشر به نژادها، ملت‌ها و قبیله‌ها، تنها برای شناختن و شناخته شدن است.^{۵۸} او از اینکه غرب با استعمارگری خود مسلمانان جهان را به جدایی و ملی‌گرایی سوق داده است، رنج می‌برد.^{۵۹} البته اقبال با میهن‌دوستی مخالف نبود،^{۶۰} بلکه با ملت‌پرستی و تعصبات بیجا مخالفت می‌کرد. از این رو می‌گفت:

قلب ما از هند و روم و شام نیست / مرز و بوم ما به جز اسلام نیست.^{۶۱}

امام خمینی (ره) ضمن تفاوت قائل شدن میان ملی‌گرایی با حب وطن، آن را باعث ایجاد دشمنی و شکاف بین مسلمانان می‌دانست^{۶۲} و با اشاره به مخالف بودن ملی‌گرایی با قرآن،^{۶۳} آن را نفی می‌کرد.^{۶۴} در نگاه ایشان، دنیا وطن همه انسانها است^{۶۵} که قرآن کریم نیز با رد نژادپرستی،^{۶۶} همه را برابر و برادر می‌داند.^{۶۷}

۵۷. رک: شرار زندگی، ص ۴۵.

۵۸. او می‌گفت: «اسلام نه ملی‌گری است و نه استعمار، بلکه جامعه مللی است که مرزهای مصنوعی و تمایزات نژادی را برای تسهیل شناسایی قبول دارد» (همان، صص ۳۷ و ۳۸).

۵۹. رک: «نسیم عطر آگین محمدی (ص) در دیوان اقبال»، ص ۱۴۶.

۶۰. گفته شده که از برخی از سخنان اقبال، بوی ناسیونالیسم اسلامی می‌آید. می‌توان گفت: اقبال ملیتی را تصدیق می‌کند که قوامش به دین و بقایش به داشتن هدف است. از این رو وی مخالف وحدت قومی و ملی نبود، بلکه این وحدت را به نسب و خاک نمی‌دانست و می‌گفت که قوام ملت به دیانت است.

۶۱. کلیات اقبال لاهوری، ص ۷۶.

۶۲. رک: صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۰۹.

۶۳. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...» (حجرات، ۱۳).

۶۴. رک: صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۳۴.

۶۵. رک: کشف الأسرار، ص ۲۶۷.

۶۶. رک: صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۰۹.

۶۷. رک: همان، ج ۱۳، صص ۱۶۷ و ۱۶۸.

۶۸. رک: بقره، ۱۸۵؛ آل عمران، ۴؛ انعام، ۱۹.

۶۹. نساء، ۵۸.

۷۰. نساء، ۵۹؛ انفال، ۴۲؛ حدید، ۲۵.

۷۱. رک: صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۷۲.

۷۲. رک: المیزان، ج ۴، ص ۱۲۳.

۷۳. دیوان شعر، ص ۸۲.

۷۴. رک: شرار زندگی، صص ۴۳ و ۴۴.





نفی کرده^{۷۵} و نظام جمهوری را وسیله حل مشکلات مسلمانان می‌دانست. وی چهار نوع از حکومت جمهوری را معرفی می‌کرد^{۷۶} و یکی از آنها را قبول داشت. از نظر او بهترین نوع حکومت، جمهوری اسلامی است؛ زیرا طبق قرآن و اسلام راستین بوده و بر اصل توحید تکیه دارد. این توحید سه اصل را برای پایداری حکومت جمهوری اسلامی ارائه می‌کند: ۱- اتحاد انسانی ۲- مساوات ۳- آزادی.

از نظر سید قطب، نظام حاکم بر جهان، نظام جاهلی است و این جاهلیت را باید با برقراری حکومت اسلامی بر روی زمین از بین برد. طبق دیدگاه او، برای رجوع به تعالیم قرآن و تشکیل جامعه اسلامی، حتی یک نفر می‌تواند زمینه‌ساز باشد و به دست او جامعه اسلامی و قرآنی تحقق یابد.^{۷۷} هدف سید قطب، رستاخیز اسلامی بود که عمل به قرآن را وسیله آن می‌دانست.^{۷۸} منظور سید قطب از تشکیل حکومت اسلامی، این نیست که عده‌ای - مانند پدران روحانی مسیحی - زمام امور را به دست گیرند، بلکه وی خواستار اجرای قوانین قرآن و اسلام در جامعه بود.^{۷۹} در دیدگاه سید قطب، امت اسلامی زمانی تحقق می‌یابد که در سرزمین اسلامی، مردم طبق شریعت خداوند زندگی کنند و آموزه‌های قرآن در جامعه پیاده شود.^{۸۰} از دیدگاه وی، نظام اجتماعی اسلام تنها نظامی است که بر پایه اندیشه جهانی به معنای واقعی آن قرار دارد و تحت چنین نظامی، مردم

۷۵. وی معتقد است این نوع حکومتها مایه سعادت بشر نیست (ر.ک: کلیات اقبال لاهوری، صص ۵۳۶ و ۵۳۷).

۷۶. این چهار نوع حکومت جمهوری عبارتند از: ۱) حکومت اکثریت سیاسی بر اقلیت، ۲) حکومت جمهوری اکثریت بدون در نظر گرفتن اهلیت و کفایت لازم، ۳) حکومت جمهوری ممالک عقب افتاده قومی و قبیله‌ای، ۴) حکومت جمهوری اسلامی.

۷۷. ر.ک: ریشه‌ها و تاریخچه اصولگرایی در مصر، ص ۱۷.

۷۸. ر.ک: چراغی بر فراز راه، ص ۳۱.

۷۹. ر.ک: ما چه می‌گوییم، صص ۷۲ و ۷۳. در دیدگاه او: «آن روزی که اصول و قوانین اسلامی اجرا شد، در آن روز حکومت اسلامی تشکیل یافته است» (همان، ص ۷۳).

۸۰. همان، ص ۱۱۲.

از هر رنگ، نژاد، زبان و تفکر، می‌توانند به صورت عادلانه زندگی آرامی داشته باشند.^{۸۱}

عمده راهکار کواکبی را نیز می‌توان تشکیل یک حکومت جهانی اسلامی دانست که تمام مسلمانان در کشورهای گوناگون اسلامی در آن سهیم باشند. در دیدگاه کواکبی، جامعه بشری باید بر اساس اصول عقلایی بنا شود و روابط میان مردم طبق قوانین «مبتنی بر عدالت آگاهانه» سازمان یابد که همه طبقات در مقابل آن باهم برابرند.^{۸۲} او به وحدت مسلمانان فکر می‌کرد و ضمن اینکه خواستار تحقق اتحاد کشورهای اسلامی بود، نظریه ایجاد خلافت اسلامی را مطرح می‌نمود. وی معتقد بود عربها که پیدایش و گسترش اسلام در سرزمین آنان بوده است، می‌توانند به تنهایی جهان اسلام را از انحطاط نجات بخشند. کواکبی برنامه اصلاحی خود را با تفکر خلافت اسلامی بیان کرده و نقش محوری این خلافت را به عربها می‌داد.^{۸۳} در قلمرو حکومت بزرگ کواکبی، ملت‌های گوناگون وظایف گوناگونی دارند.^{۸۴} حسن البنا (د ۱۹۴۹م) نیز به برپایی نظام سیاسی عادلانه و حکومت اسلامی اشاره داشت.^{۸۵} امام خمینی (ره) تشکیل حکومت عدل الهی را یکی

۸۱. همان، ص ۱۹.

۸۲. ر.ک: اندیشه‌ها و جنبشهای نوین سیاسی اجتماعی در جهان عرب، ص ۱۲۷.

۸۳. کواکبی معتقد است که خلافت باید ۱۸ شرط را برآورده سازد، مانند: ۱) یک عرب قریشی به مدت سه سال به عنوان خلیفه انتخاب شود و مقر او مکه باشد. ۲) حاکمیت سیاسی خلیفه محدود به مرزهای حجاز خواهد بود و یک مجلس مشورتی خاص حجاز بر کارهای خلیفه نظارت خواهد کرد. ۳) خلیفه حق ندارد در مسائل اداری امیرنشینها و سلطان‌نشینهای قلمرو خلافت دخالت کند، بلکه وی برای آنان تنها به‌عنوان یک مرجع عالی دینی - سیاسی به شمار خواهد رفت. از این رو، خلافت از دیدگاه کواکبی، یک کشور متحد سیاسی نیست، بلکه کنفدراسیونی از کشورهای اسلامی است. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: همان، صص ۱۲۴ و ۱۲۵.

۸۴. رهبری معنوی به عربهای شبه جزیره عرب اختصاص دارد. سیاست و دیپلماسی در دست ترکها باقی می‌ماند. سازماندهی زندگی اجتماعی و راهبری آن در قلمرو خلافت بر عهده مصریان گذاشته می‌شود. پیشبرد علم و اقتصاد نقشی است که ملت‌های ایران، هند و آسیای مرکزی ایفا می‌کنند. وی دفاع از قلمرو خلافت را به افغانستان، مراکش و کشورهای دیگر اختصاص می‌دهد (ر.ک: همان، ص ۱۲۵).

۸۵. ریشه‌ها و تاریخچه اصولگرایی در مصر، ص ۹.



قوانین اسلام^{۱۰۱} و

امام خمینی(ره) با تکیه بر این نکته که باید عملاً حق را پیاده کرد، اظهار می‌داشت که اگر آنچه خداوند فرموده است اجرا شود، حکومت اسلامی نمونه‌ای خواهد بود که می‌توان به دنیا عرضه کرد.^{۱۰۲} از این رو در نظر امام خمینی(ره) حکومت اسلامی باید یک حکومت بیشتر نباشد^{۱۰۳} و همه تحت این حکومت وحدت‌بخش گرد آیند. بنابراین باید در سراسر جهان اسلام حکومت واحدی تشکیل گردد و همه مسلمانان تحت این حکومت درآیند.^{۱۰۴}

از نظر برخی از مصلحان دینی، اصلاح مراکز حکومتی جوامع اسلامی نیز از راهکارهای دیگر به شمار می‌رود. برای نمونه محمد عبده در طول زندگی خود به اصلاح دادگاهها و سازمانهای دینی و حکومتی مانند اوقاف و امور خیریه پرداخت.^{۱۰۵} وی ضمن اصلاح این مجامع، خود مرکز خیریه‌ای در کشور مصر به نام «جمعیت خیریه اسلامی» تأسیس کرد و هدف از این کار را اصلاح تفکر اساتید و معلمان مصر برشمرد. وی ضمن انجام فعالیتهای عام المنفعه، جلسات تفسیر زیادی برگزار می‌کرد.^{۱۰۶} همچنین یکی از اهداف عبده «گسترش تدریجی شکل نماینده‌گزینی دستگاههای حکومت» و تشکیل یک پارلمان برگزیده بود که از تمام اختیارات قانون برخوردار باشد.^{۱۰۷}

از این رو، علاوه بر تشکیل حکومت قرآنی در سراسر جهان اسلام، می‌توان به اصلاح سازمانها و مراکز حکومتی موجود در تمام کشورهای اسلامی

۱۰۱. مانند احکام مالی، دفاع ملی، حقوقی و جزایی (ر.ک: همان، صص ۳۴ و ۳۵).

۱۰۲. ر.ک: صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۲۷.

۱۰۳. ر.ک: کشف الأسرار، ص ۱۰۹.

۱۰۴. بر این اساس مسلمانان باید «اتحاد جماهیر اسلامی» تشکیل دهند. این تعبیر از حکیمی گرفته شده است (ر.ک: شرف‌الدین، ص ۲۱۰).

۱۰۵. ر.ک: ریشه‌ها و تاریخچه اصولگرایی در مصر، ص ۶۸.

۱۰۶. شیخ محمد عبده رایت اصلاح، ص ۱۱۱.

۱۰۷. اندیشه‌ها و جنبشهای نوین سیاسی اجتماعی در جهان عرب، ص ۱۶۰.

از ابعاد قرآن می‌دانست^{۸۶} و ضمن واجب دانستن برپایی حکومت،^{۸۷} به این مسئله اذعان می‌کرد که باید برای تشکیل حکومت اسلامی تلاش کنیم^{۸۸} و این حکومت باید قوانین قرآن و اسلام را اجرا کند.^{۸۹} از این رو می‌گفت: «ما می‌خواهیم قرآن حکومت کند بر ما».^{۹۰} ایشان تشکیل حکومت را همیشگی و برای همه مسلمانان می‌دانست (نه یک کشور خاص)^{۹۱} و مسائل حکومتی را در قرآن می‌یافت و بر آن بود که اساس حکومت در قرآن آمده است.^{۹۲} همچنین ایشان اعتقاد به تشکیل حکومت را جزء ولایت دانسته،^{۹۳} اذعان می‌نمود که هرکس اظهار کند تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده، و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است.^{۹۴} برخی از دلایل لزوم تشکیل حکومت از دیدگاه امام خمینی(ره) عبارتند از: ۱- تشکیل حکومت توسط پیامبر(ص) و ضرورت استمرار اجرای احکام،^{۹۵} ۲- سنت امام علی(ع) در برقراری حکومت،^{۹۶} ۳- لزوم تشکیل حکومت در روایات،^{۹۷} ۴- تحقق انقلاب سیاسی اسلامی در جهان،^{۹۸} ۵- لزوم وحدت کشورهای اسلامی،^{۹۹} ۶- لزوم نجات مردم مظلوم،^{۱۰۰} ۷- لزوم تشکیل حکومت با توجه به ماهیت و کیفیت

۸۶. ر.ک: صحیفه نور، ج ۲۱، صص ۱۶۹ و ۱۷۱.

۸۷. ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۱، صص ۴۰۶ و ۴۰۷.

۸۸. ولایت فقیه، ص ۹.

۸۹. ر.ک: صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۰۱.

۹۰. ر.ک: همان، ج ۸، ص ۲۸۳.

۹۱. ر.ک: ولایت فقیه، ص ۴۹.

۹۲. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۵۲؛ کشف الأسرار، ص ۳۰۰.

۹۳. ر.ک: ولایت فقیه، ص ۲۱.

۹۴. همان، ص ۲۸.

۹۵. ر.ک: همان، صص ۲۸ و ۲۹.

۹۶. ر.ک: همان، ص ۳۱.

۹۷. ر.ک: همان، صص ۴۵ و ۴۶.

۹۸. ر.ک: همان، صص ۴۰ و ۴۱.

۹۹. ر.ک: همان، ص ۴۲.

۱۰۰. ر.ک: همان.



پرداخت. بدین منظور مسلمانان می‌توانند با تأسیس مراکز مشترک در امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، به قدرت برتر دنیا در تمام عرصه‌ها تبدیل شوند. به عنوان نمونه نخبگان و مسئولان کشورهای اسلامی، طی نشستهایی می‌توانند زمینه لازم را جهت تشکیل پارلمان واحد، پول واحد، تقویم واحد، نیروی نظامی واحد، زبان واحد و بسیاری از سازمانهایی که در حوزه‌های گوناگون ضمن هم‌افزایی و هم‌فکری، باعث اتحاد بیشتر جوامع اسلامی می‌گردند، فراهم آورند.

۳) تقویت روحیه وحدت‌گرایی مسلمانان

وحدت و همبستگی اجتماعی، احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. همبستگی اجتماعی می‌تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری میان انسانها یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع آنها باشد.^{۱۰۸} قرآن کریم همه را به وحدت سفارش کرده است، تا جایی که حتی از غیرمسلمانان اهل کتاب می‌خواهد که با تکیه بر اشتراکات با مسلمانان اتحاد داشته باشند.^{۱۰۹} قرآن وجود ملیتها و نژادهای گوناگون را به خاطر شناخت و معرفت انسانها نسبت به هم می‌داند و کثرت و تنوع اقوام را ملاک برتری ندانسته^{۱۱۰} و از تمام مسلمانان می‌خواهد که همواره وحدت و یکپارچگی خود را حفظ کنند.

امام خمینی (ره) با اشاره به تکیه قرآن بر وحدت،^{۱۱۱} رمز پیروزی مسلمانان را وحدت دانسته و با تبیین برخی از آیات قرآن،^{۱۱۲} به آسیبهای اختلاف می‌پرداخت^{۱۱۳} و اختلاف افکنی را گناه کبیره برشمرده^{۱۱۴} و آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ

لَا تَفَرَّقُوا»^{۱۱۵} «و همگی به ریسمان خدا چنگ زبید، و پراکنده نشوید» را دستوری الزامی دانسته^{۱۱۶} و از تمام مسلمانان می‌خواست که وحدت خود را حفظ کنند.^{۱۱۷}

برخی از ثمرات وحدت مسلمانان و دولتهای اسلامی در نظر امام خمینی (ره) عبارتند از: بازگشت عزت و عظمت به مسلمانان،^{۱۱۸} به دست آوردن بزرگ‌ترین قدرت جهان از سوی مسلمانان،^{۱۱۹} عدم توانایی بیگانگان در ظلم و ستم و تعدی و تجاوز به مسلمانان،^{۱۲۰} حل مشکلات مسلمانان مظلوم برخی از کشورها مانند فلسطین و ...،^{۱۲۱} مبارزه با ابرقدرتها و شکست آنان و پیروزی مسلمانان،^{۱۲۲} حفظ ذخایر فراوان در سایه اتحاد، عدم احتیاج به دولتهای بیگانه و پیشرفت روزافزون مسلمانان^{۱۲۳} و ...

سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز تحقق وحدت را در سایه عمل به آموزه‌های قرآن کریم می‌دانست.^{۱۲۴} البته منظور سید جمال از اتحاد، وحدت سیاسی است نه وحدت مذهبی.^{۱۲۵} وی می‌گوید: «هرگاه امتی را دیدی که افرادش به وحدت و یگانگی تمایل دارند، به آن امت مژده بده که خداوند در جهان آفرینش برای آنان، آقایی و والایی و برتری بر سایر ملتها

۱۱۵. آل عمران، ۱۰۳.

۱۱۶. رک: صحیفه امام، ج ۸، ص ۴۲۲.

۱۱۷. رک: صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۲۶؛ ج ۱۱، ص ۲۶۲؛ صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۴؛ ایشان می‌گوید: «ما اگر همین یک آیه را، مسلمین اگر همین یک آیه را عمل به آن بکنند، تمام اشکالات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و همه چیزشان بدون تشبث به غیر رفع می‌شود» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۷۵).

۱۱۸. رک: صحیفه نور، ج ۱۵، صص ۱۲۳ و ۱۲۴.

۱۱۹. رک: همان، ج ۱۸، ص ۹۲.

۱۲۰. رک: همان، ج ۱۵، صص ۲۷۱ و ۲۷۲.

۱۲۱. رک: همان، ج ۱۳، صص ۳ و ۴.

۱۲۲. رک: همان، ج ۲۰، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.

۱۲۳. رک: همان، ج ۱۵، صص ۲۷۱ و ۲۷۲.

۱۲۴. سید جمال‌الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، ص ۲۰۵.

۱۲۵. رک: زعماء الإصلاح فی العصر الحدیث، ص ۱۰۶.

۱۰۸. فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۴۰۰.

۱۰۹. رک: آل عمران، ۶۴؛ عنکبوت، ۴۶.

۱۱۰. حجرات، ۱۳.

۱۱۱. رک: صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۸۱.

۱۱۲. حجرات، ۱۰.

۱۱۳. رک: صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۸۳.

۱۱۴. رک: صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۷۷.



- دهنی، ۱۳۳ پیشنهاد اذان واحد، ۱۳۴ و ... انجام داد. حسن البنا با تأکید بر پایبندی به وحدت اسلامی ۱۳۵ و امت واحده اسلامی، ۱۳۶ پایداری وحدت مسلمانان را تنها در سایه اسلام و قرآن ممکن می‌دانست. ۱۳۷
- اقبال به معضل تفرقه جهان اسلام زیاد فکر می‌کرد و در اندیشه چاره‌جویی بود. او معتقد بود که امت اسلامی باید اختلافات سطحی مذهبی را کنار بگذارند و با ملاک قرار دادن قرآن کریم، بدعتها را رها سازند. ۱۳۸
- در نظر او، مسلمانان جهان باید به یکدیگر بیبوندند و متحد شوند و اگر این وحدت تحقق یابد، با روحیه تربیت نبوی، از مشکلات نجات پیدا می‌کنند. ۱۳۹ البته وحدتی که مورد نظر اقبال بود، تنها برای یک کشور نبود، بلکه او می‌خواست تمام مسلمانان در هر جای دنیا، امتی واحد شوند. ۱۴۰ اگر چنین امتی ایجاد شود، غرب و شرق توان مقابله با آن را نخواهند داشت. در دیدگاه اقبال در سه صورت کشورهای اسلامی می‌توانند باهم متحد شوند: ۱- رهبری واحد، ۲- فدراسیون کشورهای اسلامی، ۳- همکاری کشورهای اسلامی در زمینه‌های فرهنگی، نظامی، اقتصادی و ... و عقد پیمانهای چندجانبه.
- یکی از آرزوهای دیرینه عبده، اتحاد مسلمانان جهان بود که تلاشهای زیادی نیز در این زمینه انجام داد. وی غیر از مذهب خود، رفتار متعادلی نسبت به سایر وحدت شیعه و سنی اقداماتی را مانند وحدت فقهی، ۱۳۰ وحدت شاعران دینی، ۱۳۱ اتحاد علمای شیعه و سنی باهم و تبادل نظر جهت برطرف کردن موانع وحدت و رفع حساسیتها، ۱۳۲ دوری از تعصبات فکری و جمود
۱۲۶. ر.ک: العروة الوثقی، ص ۱۹۰؛ استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۳۲۵.
۱۲۷. قرآن نماد حیات معقول، ص ۲۱.
۱۲۸. یعنی شیعه و سنی را سیاست از هم دور کرد، و اکنون نیز باید سیاست - و مصالح سیاسی مسلمانان - آنان را گرد هم آورد.
۱۲۹. شرف الدین، صص ۲۲۳ و ۱۲۴.
۱۳۰. ر.ک: «تقریب فقهی از دیدگاه امام موسی صدر».
۱۳۱. همان.
۱۳۲. در این زمینه ر.ک: یادنامه امام موسی صدر، صص ۳۱۴ به بعد.
۱۳۳. همان، ص ۳۷۰.
۱۳۴. وی در کنفرانسی در مصر، پیشنهادی به علمای اهل سنت می‌دهد که برای ایجاد وحدت و برادری میان شیعه و سنی، علمای فریقین با مشورت هم و اتکا به مصادر و منابع اسلامی، یک اذان واحد اسلامی را استنباط کنند، تا این اذان معیار تمام مسلمانان باشد و در همه‌جا پخش شود (ر.ک: همان، صص ۳۱۱ و ۳۱۲).
۱۳۵. ر.ک: خاطرات زندگی حسن البنا، ص ۲۱۰.
۱۳۶. وی معتقد بود که اسلام قائل به مرزهای جغرافیایی نیست و همه مسلمانان یک امت واحد هستند و هر جا مسلمانی باشد، آنجا وطن همه مسلمانان محسوب می‌شود (ر.ک: ریشه‌ها و تاریخچه اصولگرایی در مصر، ص ۱۰).
۱۳۷. ر.ک: خاطرات زندگی حسن البنا، ص ۱۷۹.
۱۳۸. ر.ک: «مفاهیم انسانی در شعر اقبال».
۱۳۹. ر.ک: «اقبال ستیزه‌گر با غرب»، ص ۱۲۹.
۱۴۰. ر.ک: همان، ص ۱۳۱.



مذاهب اسلامی (اعم از شیعه و سنی) داشت، بلکه وی حتی نسبت به ادیان یهود و مسیحیت هم با تساهل رفتار می‌کرد.^{۱۴۱} سید قطب نیز با نفی بلوک استعماری غرب و شرق، ایجاد بلوک سوم اسلامی را پیشنهاد می‌کرد که مسلمانان زیر پرچم واحد و به طور مستقل گرد آیند و جبهه واحد اسلامی را تشکیل دهند.^{۱۴۲} وی با اشاره به استقلال شخصیتی مسلمانان، تأکید می‌کرد که در آن نشانه‌های شخصیت جاهلی وجود نداشته باشد. او گفته است: «نیاز به جداگانگی پرچم ویژه‌ای است که تنها نام الله بر آن بدرخشد ... این چنین عقیده‌ای برنامه کامل زندگی خواهد بود».^{۱۴۳} وی سپس بیان کرده که تنها در این صورت، مسلمانان ملت میانه‌روی خواهند بود که قرآن به آن اشاره دارد.^{۱۴۴}

درباره شکل‌های گوناگون وحدت مسلمانان، می‌توان سه حالت را مطرح کرد: ۱- از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و بقیه کنار گذاشته شود، ۲- اشتراکات همه مذاهب گرفته شود و مسائل اختلافی کنار گذاشته شود، ۳- منظور از وحدت، اتحاد پیروان مذاهب، در عین اختلافات مذهبی، در برابر بیگانگان است. بدیهی است که وحدت اسلامی، ربطی به وحدت مذاهب ندارد و نوع سوم صحیح است. شهید مطهری ضمن برشمردن انواع وحدت، به این نکته اشاره می‌کرد که مخالفان قرآن و اسلام، وحدت اسلامی را به نام وحدت مذهبی توجیه می‌کنند، تا این راهکار با شکست روبه‌رو شود.^{۱۴۵}

البته منظور از وحدت، برگزاری گردهمایی و همایشها نیست، بلکه گذشته از اجتماعات ظاهری، باید جانها و دل‌های مسلمانان با یکدیگر منسجم

۱۴۱. عبده در راستای گفتگوی ادیان، مرکزی را به نام «جمعیة التقرب بین أهل الإسلام و أهل الكتاب» ایجاد کرد (ر.ک: ریشه‌ها و تاریخچه اصولگرایی در مصر، ص ۶۹).

۱۴۲. ر.ک: ما چه می‌گوییم، صص ۸۹ و ۹۹.

۱۴۳. ر.ک: فی ظلال القرآن، ج ۱، صص ۱۹۶ و ۱۹۷.

۱۴۴. بقره، ۱۴۳.

۱۴۵. ر.ک: شرف الدین، ص ۱۹۸.

باشد؛ زیرا اصل یک جامعه همان جان او است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «أصل المرء لُبه».^{۱۴۶} بنابراین مسلمانان باید قدرت تحمل یکدیگر را بالا ببرند و از شیوه‌ای به نام «وحدت - انتقاد - وحدت» استفاده کنند، به طوری که تمام مسلمانان با تمایل به وحدت، به تعامل با یکدیگر بپردازند، سپس از طریق بحث، انتقاد و گفتگو باهم، تضادها، سوء تفاهمها و اختلافات را حل کنند و سرانجام به یک وحدت جدیدی دست یابند. به نظر می‌رسد این روش بتواند تا حدودی به رفع مشکلات گروه‌های مختلف مذهبی و سیاسی مسلمانان - هم در سطح داخلی و هم بین‌المللی - کمک کند^{۱۴۷} و ضمن مقابله با تفکر ملی‌گرایی، وحدت در جامعه را تحقق بخشد.

۴) تقویت خودشناسی و خودباوری مسلمانان

یکی از راه‌های اصلاح جامعه و مقابله با اقدامات تفرقه‌افکنانه بیگانگان، تقویت روحیه خودشناسی و خودباوری است. این راهکار در مقابل خودباختگی و از خود بیگانگی است و منظور از آن، این است که مسلمانان به یک خودآگاهی انسانی، اسلامی، تاریخی و فرهنگی برسند و با در نظر گرفتن نقاط قوت و ضعف خویش، به خود تکیه کنند و با رفع نقاط ضعف، به تقویت نقاط قوت خود پرداخته و آنها را برجسته کنند و بدانند که خود می‌توانند با استفاده از معارف وحدت‌بخش قرآنی، ضمن همفکری و ایجاد ارتباطات در عرصه‌های گوناگون، به هم‌افزایی یکدیگر در جهت نیل به سعادت یاری رسانند.

امام خمینی (ره) نیز از مسلمانان می‌خواست که به خودشناسی و خودباوری بپردازند و بدانند که خودشان دارای شخصیت هستند،^{۱۴۸} از این رو باید به

۱۴۶. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲.

۱۴۷. این روش برگرفته از شیوه‌های انقلاب فرهنگی چین است که «مائو» حاکم چین در سال ۱۹۵۷ م برای احزاب این کشور پیشنهاد داده بود (ر.ک: انقلاب فرهنگی چین، صص ۱۳۰-۱۳۲).

۱۴۸. ر.ک: صحیفه نور، ج ۱۳، صص ۲۸۳ و ۲۸۴؛ ج ۱۰، ص ۲۷۸.



خود متکی باشند.^{۱۴۹} ایشان همواره به جوانان توصیه می‌کرد که دو نکته را در نظر بگیرند: یکی اعتماد به خداوند و دیگری اعتماد به نفس. سپس ایشان اظهار می‌کرد که همه جوانان باید با اعتماد به نفس، معتقد باشند که «می‌توانیم».^{۱۵۰} امام خمینی (ره) همواره به قشر فرهنگی جامعه سفارش می‌کرد که به جای فرهنگ استعماری، خود را از بیگانگان جدا ساخته و بر فرهنگ قرآنی و اسلامی تکیه کنند.^{۱۵۱}

سید جمال ضمن اشاره به فعالیت غرب علیه اسلام، بر ضرورت مبارزه با استعمار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غرب و تلاش برای رهایی از سلطه استعمارگران تأکید می‌کرد.^{۱۵۲} او با اشاره به استقلال همه‌جانبه مسلمانان،^{۱۵۳} مبارزه با خودباختگی مسلمانان و پرهیز از انزوا و بی‌تفاوتی نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی،^{۱۵۴} معتقد بود که «دستیابی به استقلال تنها با واژه‌پردازی ممکن نیست»،^{۱۵۵} بلکه مسلمانان باید به تمام امور خویش استقلال بخشند. سید قطب نیز تقلید و هم‌رنگ ساختن مسلمانان در ظاهر و رفتار با بیگانگان را نفی کرده و آن را مخالف آموزه‌های قرآن می‌دانست.^{۱۵۶}

در نظر اقبال لاهوری، خودشناسی رشته اتصال اجزای جهان و نظام عالم هستی بود؛ خودشناسی آدمی را بی‌نیاز، و در یوزگی و عرض حاجت پیش دیگران، «خودی خویشتن» انسان را ناچیز و ناتوان می‌کند. اقبال علاوه بر خودشناسی، بر این باور بود که

۱۴۹. ایشان می‌گوید: «ما باید این را بفهمیم که همه چیز هستیم و از هیچ کس کم نداریم. ما که خودمان را گم کرده بودیم، باید این «خود گم‌کرده» را پیدا کنیم» (همان، ج ۶، ص ۴۰؛ ج ۲۱، ص ۱۹۴).

۱۵۰. رک: همان، ج ۱۸، ص ۱۴۶.

۱۵۱. رک: همان، ج ۱۷، ص ۳۵.

۱۵۲. رک: استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۳۲۲ و ۳۲۳.

۱۵۳. رک: زعماء الإصلاح فی العصر الحدیث، ص ۱۰۷.

۱۵۴. رک: استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۳۱۴.

۱۵۵. رک: اندیشه‌ها و جنبشهای نوین سیاسی اجتماعی در جهان عرب، ص ۱۱۰.

۱۵۶. رک: فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۱۹۵ و ۱۹۶.

۱۵۷. رک: «از خود بیگانگی»، صص ۷۱-۸۳.

۱۵۸. «اقبال، احیای تفکر دینی»، ص ۴۷۷.

۱۵۹. رک: «نسیم عطر آگین محمدی (ص) در دیوان اقبال»، ص ۱۴۹.

۱۶۰. رک: بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، صص ۵۰-۵۲.

۱۶۱. رک: شرار زندگی، ص ۴۴.

۱۶۲. رک: «اقبال ستیزه‌گر با غرب»، صص ۱۲۴ و ۱۲۶.

۱۶۳. وی گفته است: «حفظ امپراتوری عثمانی، سومین اصل پس از ایمان به خدا و رسول او است» (اندیشه‌ها و جنبشهای نوین سیاسی اجتماعی در جهان عرب، ص ۱۶۰).



به از بین بردن روحیه غرب‌زدگی^{۱۶۴} و خودداری از انعقاد قراردادهای استعماری با بیگانگان،^{۱۶۵} به عنوان راهکار می‌نگریست. از این رو، یکی از راهکارهای مقابله با اقدامات تفرقه‌افکنانه بیگانگان، تقویت خودشناسی و خودباوری مسلمانان به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

۱. قومیتها، نژادها و ملیتهای گوناگون، ابتدائاً دارای برتری و فضیلت خاصی نیستند و دامن زدن به مسائل ملی و قومی جز ضرر، فایده‌ای به جهان اسلام نمی‌رساند. علاوه بر خود مسلمانان، بیگانگان نقش برجسته‌ای در ترویج ملی‌گرایی و تضعیف وحدت میان مسلمانان داشته‌اند. استعمارگران برای حفظ منافع خود و استثمار مسلمانان، با اختلاف‌افکنی و رواج ملی‌گرایی میان مسلمانان در قالب فعالیتهای استشرافی، تهاجم فرهنگی و ایجاد فرقه‌های ساختگی، ضمن سرگرم ساختن مسلمانان، با زدودن اتحاد و رواج اختلافهای متعدد، بر آنان سلطه می‌یابند.

۲. مصلحان دینی همواره جهان اسلام را به اتحاد با یکدیگر دعوت کرده‌اند. تمسک به قرآن، بیداری اسلامی، استفاده از ظرفیت عالمان هوشمند، وحدت در تشکیل حکومت اسلامی در کشورها و ایجاد روابط دوستانه میان حکومتها، اهتمام ویژه به خودباوری، هم‌افزایی مسلمانان، و اجتناب از خودباختگی، از راهکارهای ایجاد وحدت به شمار می‌روند. مسلمانان می‌توانند با حفظ اعتقادات و باورهای خود، به ایجاد وحدت در عرصه‌های گوناگون بیانندیشند و با تشکیل مراکز مشترک در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی، به هم‌افزایی و تقویت یکدیگر کمک کرده و باعث تشکیل قدرتی جهانی بر پایه مشترکات گردند. عالمان دین و مصلحان اجتماعی و همچنین مسئولان حکومتها در این زمینه نقش ویژه‌ای دارند که می‌توانند با برگزاری نشستهای مشترک به نقاط وحدت‌بخشی رسیده و وحدت را در جوامع اسلامی عملی سازند.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- «از خود بیگانگی»، ابوالقاسم بشیری، مجله معرفت، شماره ۹۱، ۱۳۸۴ ش.
- استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، احمد موثقی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- اسلام و بلادهای نوین، محمد غزالی، ترجمه مصطفی زمانی، تهران، فراهانی، بی‌تا.
- اسلام و جهان معاصر، انور جندی، ترجمه حمیدرضا آژیر، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش.
- اعترافات، محمدعباس عطائی اصفهانی، قم، حضرت عباس (ع)، ۱۳۸۷ ش.
- «اقبال ستیزه‌گر با غرب»، سید جعفر شهیدی، در شناخت اقبال: مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت علامه اقبال لاهوری، به کوشش غلامرضا ستوده، تهران، دانشگاه تهران؛ وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
- «اقبال، احیای تفکر دینی»، احمد آکوچکیان، در شناخت اقبال: مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت علامه اقبال لاهوری، به کوشش غلامرضا ستوده، تهران، دانشگاه تهران؛ وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش.

۱۶۴. ر.ک: خاطرات زندگی حسن البنا، ص ۳۱۴.

۱۶۵. ر.ک: همان، ص ۳۶۷.

- اندیشه‌ها و جنبشهای نوین سیاسی اجتماعی در جهان عرب، زالمان ایساکوویچ لوین، ترجمه یوسف عزیزی بنی طرف، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.
- انقلاب فرهنگی چین، سید علی محمودی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۶۴ ش.
- بحار الأنوار، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۹۴ ش.
- «تقریب فقهی از دیدگاه امام موسی صدر»، عبدالرحیم ابادری، مجله پگاه حوزه، شماره ۲۰۷، ۱۳۸۶ ش.
- تهاجم فرهنگی، محمدتقی مصباح یزدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶ ش.
- چراغی بر فراز راه، سید قطب، ترجمه حسن اکبری مرزناک، تهران، امت، بی تا.
- خاطرات زندگی حسن البنا، حسن بنا، ترجمه ایرج کرمانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
- خاطرات مستر همفر جاسوس انگلیس در کسورهای اسلامی، هامفری، ترجمه علی کاظمی، قم، اخلاق، ۱۳۸۶ ش.
- دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتبهای سیاسی)، داریوش آشوری، تهران، مروارید، ۱۳۸۷ ش.
- دنیای اسلام و تهاجم فرهنگی غرب، محمدمهدی آصفی، ترجمه تقی متقی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- دیوان شعر، محمد اقبال لاهوری، تصحیح محمد بقائی، تهران، اقبال، ۱۳۸۲ ش.
- ریشه‌ها و تاریخچه اصولگرایی در مصر، محمدحسین سلطانی فرد، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶ ش.
- ریشه‌های غرب‌گرایی و اسلام‌گرایی در ترکیه، داود وفایی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- زعماء الإصلاح فی العصر الحدیث، احمد امین، بیروت، دارالکتاب العربی، بی تا.
- سید جمال‌الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، سید محمد محیط طباطبایی، قم، کلبه شروق؛ تهران، سماط، ۱۳۸۰ ش.
- شرار زندگی (شرح اسرار خودی اقبال لاهوری)، محمد بقائی، تهران، فردوس، ۱۳۷۹ ش.
- شرف الدین، محمدرضا حکیمی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۲ ش.
- شرق شناسی، ادوارد سعید، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
- شناخت صهیونیسم بین‌الملل و انقلاب اسلامی ایران، سید جواد علم الهدی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
- شهید سید قطب: آیت جهاد، علی احمدی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
- شیخ محمد عبده رایت اصلاح، مهدی احمدی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
- صحیفه امام، سید روح‌الله خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹ ش.
- صحیفه نور، سید روح‌الله خمینی، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
- العروة الوثقی، سید جمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۲۱ ق.
- علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، زین العابدین قربانی لاهیجی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
- فرهنگ علوم اجتماعی، آلن بیرو، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان، ۱۳۷۰ ش.
- «فعالیت تبلیغاتی دشمنان اسلام در جهان»، علی مرتضی زیدی، مجله معرفت، شماره ۱۳، ۱۳۷۴ ش.
- فی ظلال القرآن، سید قطب، ترجمه مصطفی خرم دل، تهران، احسان، ۱۳۸۷ ش.
- قرآن کتاب هدایت از دیدگاه امام خمینی (ره)، سید روح‌الله خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام





خمینی (ره)، ۱۳۸۶ ش.

- قرآن نماد حیات معقول، محمدتقی جعفری، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۶ ش.

- کشف الأسرار، سید روح‌الله خمینی، قم، پیام اسلام، بی تا.

- کلیات اقبال لاهوری، محمد اقبال لاهوری، تهران، نگاه، ۱۳۸۷ ش.

- ما چه می‌گوییم، سید قطب، ترجمه سید هادی خسروشاهی، قم، شفق، ۱۳۵۰ ش.

- مدخلی بر تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام و ایران، موسی نجفی، تهران، فراندیش، ۱۳۸۱ ش.

- مسائل نهضت‌های اسلامی، کلیم صدیقی، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۵ ش.

- مطالعات اسلامی در غرب، محسن الویری، تهران، سمت، ۱۳۸۱ ش.

- «مفاهیم انسانی در شعر اقبال»، سید محمد علوی مقدم، مجله مشکوة، شماره ۱۸ و ۱۹، ۱۳۶۷ ش.

- «ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) از دیدگاه اسلام»، محسن غرویان و شاکر قوامیان، مجله معرفت، شماره ۵۰، ۱۳۸۰ ش.

- المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبایی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات،

۱۳۹۳ ق.

- «ناهنجاریهای جهان اسلام از دید سید جمال‌الدین اسدآبادی»، حسین شرفی، مجله حوزه، شماره ۶۰ و ۶۱، ۱۳۷۲ ش.

- «نسیم عطرآگین محمدی (ص) در دیوان اقبال»، احمد احمدی بیرجندی، در شناخت اقبال: مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت علامه اقبال

لاهوری، به کوشش غلامرضا ستوده، تهران، دانشگاه تهران؛ وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش.

- ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، سید روح‌الله خمینی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰ ش.

- یادنامه امام موسی صدر، سید هادی خسروشاهی، تهران، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، ۱۳۸۷ ش.

- «یکپارچه‌سازی اقتصاد گزینه راهبردی جهان اسلام»، علاءالدین زعتری، در: بیداری اسلامی، چشم‌انداز آینده و هدایت آن: مجموعه مقالات هفدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، جمعی از اندیشمندان، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴ ش.